

الگوی آینده حمایت از حقوق مالکیت معنوی بیماران سرمازیست

علی محمدپورا، سید عسکری حسینی مقدم^۱، حسین رحیمی واسکسی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

چکیده:

در فرآیندی نسبتاً نوظهور، بیماران لاعلاج با این امید که در آینده درمان قطعی آن‌ها کشف شود، در حالت انجماد نگهداری می‌شوند. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی برای نخستین بار به بحث در مورد حقوق مالکیت معنوی این افراد پرداخته است. در مورد این بیماران، دو فرض موت و حیات مطرح است. جمهور فقها که اساس این روش را پذیرفته‌اند، به فرض حیات اعتقاد داشته و بنابراین می‌توان این نظریه قوی را پذیرفت. بنابراین می‌توان فرض اداره اموال معنوی بیمار توسط وکیل یا امین را طرح نمود. امین حسب عرف حقوقی می‌بایست جانب امانت را رعایت کرده و تنها در صورتی نسبت به واگذاری طرح اقدام نماید که اصول اقتصادی چنین اقتضاء دارد. اما اختیارات وکیل در قرارداد تعیین شده و مطلق است. در مورد توقیف اموال معنوی بحث‌های فراوانی مطرح است، اما رویه قضائی آن است که اگر عواید مادی مالکیت معنوی برای تسویه دیون کافی نبود، آنگاه نسبت به توقیف این اموال اقدام شود. در وضعیتی که مالک طرح توانایی اداره مال معنوی را ندارد، دغدغه حمایت از حق اداره اموال معنوی نیز وجود نداشته و لذا رویه قضائی به سمت توقیف مستقیم اموال معنوی حرکت می‌کند.

واژگان اصلی: سرمازیستی، حیات، دین، مالکیت معنوی، حجر.

۱. دانشجوی مقطع دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول)
sgrhynymqdm@gmail.com
۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

مقدمه و بیان مسئله

جاودانگی یک نیاز انسان است. برخی به علت پدیده مرگ انسان، پاسخ به جاودانگی را غیرمنطقی می‌پندارند. خداوند در پاسخ به این ابهام بیان داشته که انسان موجودی جاودانه است، لیکن نوع حیات وی از دنیا به آخرت متفاوت خواهد بود. در پاسخ به این غریزه انسانی، محققین علم پزشکی تلاش نموده که به‌نوعی مرگ آدمیان را به تأخیر بیندازند. لذا روش‌هایی برای افرادی که دچار بیماری لاعلاج می‌باشند، ابداع گردیده است که بدن انسان را منجمد نموده تا بتوانند در آینده او را احیاء نمایند. کسانی که در این نوع شرکت‌های انجماد کار می‌کنند معتقدند که علم بشر تا صدسال دیگر قادر خواهد بود افراد منجمد شده را به‌راحتی به زندگی طبیعی بازگرداند و عمل کاشت مغز را انجام دهد (بصیر زاده و ادیبی، ۱۳۹۶: ۲۱۷).

اما آنچه در حال حاضر دانشمندان روی آن توافق دارند این است که علم بشر آن‌قدر پیشرفت نکرده که بتواند افراد منجمد شده را به زندگی برگرداند و به عقیده آن‌ها بازگرداندن یک فرد فریز شده با هیچ فناوری فعلی و یا حتی در آینده نزدیک هم امکان‌پذیر نخواهد بود (افضلی، ۱۳۹۳: ۱۰۱). در آینده بعد از احیای این افراد یخ‌زده، چند مشکل باید حل شده تا فرد منجمد به حیات برگردد از جمله این مشکلات می‌توان به آسیب ناشی از کمبود اکسیژن در بافت‌ها، مشکلات ناشی از مسمومیت مایع نیتروژن که قبل از فریز شدن به بافت‌ها تزریق می‌شود و مشکلات یخ‌زدگی بافت‌ها و... (طواف، ۱۳۹۳: ۲۵). از طرفی در فقه شیعه مسئله موت و حیات با مسئله روح در انسان ارتباطی تنگاتنگ دارد به‌گونه‌ای که با جدا شدن روح از بدن، مرگ اتفاق می‌افتد.

از دیدگاه فقهی بحث در مورد جواز یا عدم جواز این فرآیند مطرح بوده که موافقان و مخالفانی دارد. اما نظر جمهور فقها به صحیح بودن این فرآیند نوظهور است. برخی حقوقدانان نیز احوال شخصیه این بیماران را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما در خصوص مالکیت معنوی این افراد هیچ بحثی نشده است. افراد مذکور ممکن است در طول حیات خود اقدامات نوآورانه انجام داده باشند و با ثبت در سامانه مالکیت معنوی سند آن را نیز دریافت نموده باشند. در این مورد چند فرض متصور است. اولاً ممکن است طرح تنها بر روی کاغذ بوده و هیچ اقدام حقوقی در خصوص آن صورت نگرفته باشد. ثانیاً ممکن است طرح در مرحله دریافت سند مالکیت باشد که با آغاز زندگی سرمایه‌یستی بیمار، اقدامات حقوقی نیمه‌کاره رها خواهد شد. ثالثاً ممکن است با دریافت سند مالکیت معنوی، رسماً حق مالکیت معنوی به بیمار تعلق داشته باشد و انحصار در فعالیت اقتصادی به بیمار متناسب شود.

۱- اهداف و سؤالات پژوهش

سؤال پژوهش این است که وضعیت حقوقی مالکیت معنوی بیماران سرمازیست چیست؟ هدف پژوهش پاسخ‌دهی به این سؤال است. بررسی حقوقی مالکیت معنوی افراد مذکور تاکنون انجام نشده و این تحقیق در نوع خود دارای نوآوری بوده و محقق قصد دارد برای نخستین بار به این مهم بپردازد.

۲- پیشینه پژوهش

طباطبایی و همکاران (۱۳۹۶) حکم تکلیفی کرایونیک بیمار لاعلاج از منظر فقه شیعه را بررسی کرده و تنها به بیان حکم مشروع/غیرمشروع بودن آن بسنده کردند. در اقدامی مشابه نیز بصیرزاده و ادیبی (۱۳۹۶) به بررسی جواز کرایونیک براساس آیات و احادیث پرداخته و در نهایت نسبت به جواز این عمل نتیجه گرفتند. افصلی (۱۳۹۳) مرگ مغزی از منظر فقه شیعه و طب جدید را مورد واکاوی قرار داده و اقدام برای جاودانگی را خواسته مشروع انسانی دانست. طوآف (۱۳۹۳) مشروعیت انجماد بیمار لاعلاج از نظر مذاهب فقهی را بحث نمود و در نهایت به صحت آن نظر داد. به طور کلی پژوهش‌های مرتبط عمدتاً بر مسئله صحت این عمل متمرکز بوده و بر جواز آن حکم داده‌اند.

در خصوص مالکیت معنوی تحقیقات حقوقی فراوانی انجام شده است. در خصوص بیماران سرمازیست (کرایونیک) نیز تحقیقاتی انجام شده است. اما بحث مالکیت معنوی بیمار سرمازیست تاکنون در منابع تحقیقات حقوقی مشاهده نشده و جنبه نوآوری پژوهش کنونی است. در واقع محقق قصد پاسخ به این سوال را داشته که اگر بیمار سرمازیست پیش از فریز، طرح معنوی داشته باشد، وضعیت اداره و تصرف در آن پس از عملیات به چه صورت است. این مهم تاکنون انجام نشده و جنبه نوآوری پژوهش کنونی است.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق به صورت تحلیلی-توصیفی و غیرکمی بوده که در علوم فقه و حقوق مرسوم است.

۴- مفاهیم و یافته‌های پژوهش

۴-۱. فرآیند سرمازیستی

سرمازیستی دانشی نوین است که در آن، با پایین آوردن دمای بدن انسان یا جانوران، سعی

¹ Cryonics

در سالم نگه داشتن بدن برای آینده می کنند. در این روش، تمام خون بدن را تخلیه و آن را منجمد می کنند. در این روش، برگشت به زندگی برای بیمار ممکن نیست و این کار تنها برای آینده و فناوری آینده انجام می شود (ستوده روش و وزیر، ۱۳۹۹: ۳۷۷). در حال حاضر هیچ کشوری قانون صریحی در خصوص این فرآیند تصویب نکرده و کشور ما نیز از این امر مستثناء نیست. باتوجه به اشعار اصل ۱۶۷ ق.ا.ا که منابع فقهی را جزئی از منابع حقوقی دانسته و قضات را ملزم نموده در سکوت و خلاء قانونی به آن رجوع نمایند، و همچنین اصل چهارم همین قانون که تصویب قانون را منوط به انطباق بر احکام اسلامی می دارند، نیاز است که دیدگاه های فقهی در این مورد بررسی شود. بحث گسترده فقهی در این خصوص نیز خارج از پژوهش کنونی بوده و تنها جهت آشنایی با موضوع و ماهیت فقهی و حقوقی آن در ابتدا، دیدگاه های مختلف در این خصوص بررسی شده است.

۴-۱-۱. ادله مخالفان فرآیند

قائلین به عدم جواز کرایونیک بیمار لاعلاج بر این عقیده اند که در حال حاضر و در سطح پیشرفت کنونی علم فیزیولوژی، منجمد کردن انسان ها در دمای پایین به امید زنده ماندن سلول های بدن برای سال های طولانی، سپس امکان بازگشت حیات در آینده، از مصادیق «القاء النفس فی التهلکه» است که خداوند در قرآن کریم به آن اشاره می فرماید و مورد نهی واقع شده است (طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵). بنابراین هرچند که انسان مبتلا به بیماری صعبالعلاج باشد، اما تا زمانی که علم فیزیولوژی پیشرفتی نداشته باشد که نتایج قطعی و یا مورد اطمینان در مورد کرایونیک حاصل شود، نمی توان جان انسان که اشرف مخلوقات است را در معرض خطر قرارداد. یکی از مبانی فقهی مخالفت با این فرآیند، فرض میت بودن بیمار است. قائلین به عدم جواز کرایونیک بیمار لاعلاج بر ادله ای از کتاب، روایات معصومین (ع) و عقل استناد کرده اند. که جهت اطلاع کلام تنها به گزیده آن ها اشاره شده است.

- آیه نهی از القای در مهلکه

خداوند در آیه ۱۹۵ سوره بقره می فرماید: «و (از مال خود) در راه خدا انفاق کنید (لیکن نه به حد اسراف)، و خود را به مهلکه و خطر در نیفکنید، و نیکویی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.»^۱

^۱ وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

مستفاد از این آیه شریفه این است که اقدام به اموری که خطر جانی دارد، از آنجاکه باعث هلاکت جان می‌شوند، حرام خواهد بود و در کرایونیک نیز کسی که خود را منجمد می‌نماید، در واقع اقدام به عملی نموده است که برای او خطر جانی داشته و ممکن است سبب هلاکت جانش شود که مصداق القاء در مهلکه و منهی است. بنابراین مطابق مفاد آیه شریفه شخص جایز نیست خود را فریز نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹: ۳۵۱).

- آیه حرمت قتل نفس

خدای متعال در آیه ۹۵ سوره نساء می‌فرماید: «هرگز مؤمنانی که بدون عذر از جهاد بازنشینند با آنان که به مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود، خدا مجاهدان (فداکار) به مال و جان را بر بازنشینندگان (از جهاد) بلندی و برتری بخشیده و همه (اهل ایمان) را وعده پاداش نیکو فرموده، و خداوند مجاهدان را بر بازنشینندگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است». استدلال این آیه به این شرح است اگرچه هر نفسی محترم است، زیرا که حق حیات به‌عنوان یک حق طبیعی برای هر فرد محفوظ می‌باشد، اما شریعت اجازه هرگونه تصرف در نفس را به انسان نمی‌دهد و برخی امور را محدود می‌نماید. از جمله این امور آسیب رساندن به بدن و خودکشی است. بنابراین کسی که خود را به دستگاه انجماد می‌سپارد، به‌نوعی اقدام به خودکشی کرده است که خداوند آن را حرام نموده است. همچنین اگر شخصی اقدام به انجماد فرد دیگری کند او نیز مرتکب قتل شده است که این نیز حرام می‌باشد. بنابراین منجمد کردن، اگر به درخواست خود بیمار تحقق یابد، خودکشی محسوب شده و اگر از جانب دیگری باشد، قتل نفس به غیر حق خواهد بود که در هر دو صورت جایز نمی‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹: ۲۴۵).

مستفاد از آیه این‌که نفس انسان محترم است و هر اقدامی که به نفس ضرر وارد نماید، جایز نخواهد بود (سنه‌وری، ۱۴۱۷ ه.ق: ۱۲۴). و از آنجاکه کرایونیک قطعیت نداشته و ممکن است به انسان آسیب برساند، بنابراین منجمد نمودن انسان خلاف فرمان الهی و مصداق قتل نفس از سوی خود شخص و یا دیگری خواهد بود.

۱ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

۴-۱-۲. ادله موافقان فرآیند

در مقابل قائلین به عدم جواز کرایونیک، برخی دیگر از فقهای شیعه معتقد به جواز کرایونیک بیمار لاعلاج، می‌باشند و این امر را جلوه‌ای از جلوه‌های حقوق انسان در اسلام می‌دانند، انسانی که در زمین در درجه عظیمی از مصونیت است و برای اثبات جواز به قرآن، سنت و عقل استدلال نموده‌اند (جزائری، ۱۴۱۶ ه.ق: ۲۱۱). در این راستا از قرآن کریم به آیه سی و دو مائده استدلال نموده‌اند که بیان می‌دارد: «بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده. و هر آینه رسولان ما به سوی آنان با معجزات روشن آمدند سپس بسیاری از مردم بعد از آمدن رسولان باز روی زمین بنای فساد و سرکشی را گذاشتند». استدلال «ومن أحياء» نه به معنی زنده کردن مرده است، زیرا که آن کار خدا است، بلکه مراد کسی است که در معرض هلاکت باشد یا به غرق یا به هدم یا مرض مهلک یا چنگال ظالم گرفتار آمده و او را نجات دهی مثل این است که تمام مردم را نجات داده باشی (خوئی، ۱۴۱۲ ه.ق: ۸۵).

۴-۲. وضعیت کنونی حقوقی سرمازیستی

در کشور ما هنوز هیچ منبع حقوقی در خصوص فرآیند کرایونیک به تصویب نرسیده است (احسان پور و حبیبی، ۱۳۹۹: ۵۳). در مجموع ادله موافقان این فرآیند بیش از مخالفان بوده و حکم شرعی این مهم قابل استناد است. بنابراین در زمان بروز مشکل قضائی این حوزه می‌توان به استناد اصل ۱۶۷ ق.ا.ا به قانونی بودن این مهم تا زمان تصویب قانون جدید رأی داد. اما در قوانین آینده نیز ممکن است در این خصوص تصمیم‌گیری شود که باتوجه به اصل چهارم ق.ا.ا که نظارت شرعی شورای محترم نگهبان بر مصوبات مجلس شورای اسلامی را بیان می‌دارد، به احتمال زیاد باتوجه به نظر جمهور فقها، شورا با قانونی شدن این فرآیند موافقت نماید (بصرزاده و ادیبی سده، ۱۳۹۷: ۴۱). چراکه موافقان این مهم بیش از مخالفان بوده و شورای نگهبان حسب نظر جمهور

^۱ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَثُرُوا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ

فقها اقدام به صدور رأی می‌نمایند. ماحصل بحث این‌که فرآیند کرایونیک را در وضعیت سکوت قانون کنونی می‌توان به استناد اصل ۱۶۷ ق.ا.ا و بیانات فقهی بیان شده، قانونی؛ و در قانون‌گذاری آتی احتمال رسمیت آن را بالا دانست.

۴-۳. مالکیت معنوی

مال کلمه عربی از ریشه میل گرفته‌شده و به معنای خواستن نیز تعبیر شده است (فرهنگ لغت معین). اموال نیز جمع مکسر مال بوده و به تصرف افراد اطلاق می‌گردد (فرهنگ لغت دهخدا). از دیدگاه حقوقی دو شرط برای مال بودن گذاشته‌شده است: الف- مفید باشد و نیازی را برآورد و ب- قابل تخصیص یافتن به شخص یا ملت معین باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۴۳).

به‌موجب ماده ۲۱۵ «ق.م» مورد معامله می‌بایست مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی باشد. از دیدگاه فقهی نیز مال چیزی که مورد رغبت بوده و بهایی برای آن پرداخته‌شده باشد گفته می‌شود. خلق آثاری که به‌واسطه تلاش ایجادشده است، برای پدیدآورنده آن حقوقی را ایجاد خواهد کرد. باتوجه به وسعت شمول مالکیت فکری، بحث‌های مفصلی را می‌طلبد. در ابتدا حمایت از مسائل مرتبط به حقوق مالکیت صنعتی خصوصاً اختراع از طریق اعطای امتیاز با طرح دعاوی در محاکم صورت می‌گرفت. این رویه تا اواسط قرن هفده ادامه داشت و بعد از قرن هفده بسیاری از کشورها درصدد تهیه قوانین برای حمایت از اختراع در بعد ملی برآمدند. آمریکا در سال ۱۷۹۰ میلادی و بعدازآن فرانسه در سال ۱۹۹۱ میلادی اولین قوانین ملی خود را در رابطه با حمایت از اختراع به تصویب رساندند (میرحسینی، ۱۳۸۴: ۶۰).

در صورت ثبت کامل یا ناقص طرح در سامانه مالکیت معنوی قوه قضائیه، می‌توان به مبدأ طرح استناد کرده و کپی‌برداری و سرقت از آن را پیگیری نمود. درواقع زمان ثبت در سامانه مالکیت معنوی، خود یک دلیل برای اثبات مالکیت معنوی محسوب می‌شود (افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۹: ۸۵). اگر طرح در سامانه ثبت‌نشده باشد، اثبات وضعیت مالکیت اولیه آن بسیار سخت بوده و گاه غیرممکن. ازاین‌رو توصیه‌شده که طرح‌های بدیع در اسرع وقت در سامانه ثبت گردند. به هر حال طرح بدیع در هر مرحله‌ای که باشد (عدم ثبت/در حال ثبت یا دریافت سند) کسی حق کپی‌برداری از آن را نداشته و مراحل مذکور تنها بر ادله اثبات آن مؤثر است.

بیمار کرایونیک در زمان انجماد ممکن است وضعیت سه‌گانه طرح بدیع را داشته باشد. دراین‌باره وضعیت حقوقی استفاده از آن مورد بحث است. اما خصوصاً بیمار کرایونیک، سه نظریه

مطرح بوده که هر یک می‌تواند آثار حقوقی جداگانه‌ای داشته باشد. در اینجا هر سه فرض بررسی شده‌اند.

۴-۳-۱. زنده بودن مالک

برخی از متخصصان علوم پزشکی، باتوجه به زنده بوده بافت‌های سلولی بیمار کرایونیک و همچنین احتمال زنده ماندن او در سال‌های آتی، بیمار را فردی زنده می‌پندارند (طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵). فقهای موافق این فرآیند نیز عمدتاً نظریه زنده بودن بیمار را پذیرفته‌اند (امامی، ۱۳۹۹: ۴۳۱) به‌طورکلی فرضیه‌های حیات بیمار کرایونیک به دو مورد زنده یا مرده بودن اختصاص داشته و باتوجه به محدود بودن فرضیه‌ها، آثار حقوقی هر دو فرضیه بررسی شده است. در فرضی که بیمار کرایونیک زنده است، تمامی حق و حقوق مالکیت فرد زنده برای وی محقق است (بصیرزاده و ادیبی سده، ۱۳۹۷: ۴۵۱). ماده سوم «ق.ح» بیان می‌دارد که حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او است. در مورد مدت‌زمان حمایت از آثار بحث‌های متعددی وجود دارد (اخگر و عباسی، ۱۳۹۱: ۴۸). در ماده ۱۲ «ق.ح» بیان شده که مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به‌موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده سی سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به‌منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت.

اما ماده سیزدهم همین قانون بیان داشته که حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می‌آید تا سی سال از تاریخ پدید آمدن اثر متعلق به سفارش‌دهنده است مگر آن‌که برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد.

اسناد صادره مالکیت معنوی مدت‌زمان‌های متفاوتی برای حمایت از آثار بدیع تعیین کرده که احتمالاً به‌واسطه آئین‌نامه اجرایی قوه قضائیه می‌باشد. در حال حاضر اسناد مالکت معنوی اختراعات دارای مدت حمایت سی‌ساله، اسناد مالکیت معنوی طرح‌های نوین کسب‌وکار ده‌ساله و اسناد مالکیت معنوی نشان‌های تجاری بیست‌ساله است (میرحسینی، ۱۴۰۰: ۱۸). در اسناد مذکور به تاریخ مرگ پدیدآورنده اشاره نشده است. به عنوان مثال ذکر شود که طرح کسب و کار تاکسی اینترنتی

اسنپ^۱ دارای حق حمایت ده‌ساله می‌باشد. به نظر می‌رسد که قوه قضائیه برحسب تفسیر موسع «ق.ح» آئین‌نامه اجرایی این مهم را به مرکز مالکیت معنوی ارائه نموده و مدت‌زمان‌های حمایت ده الی سی‌ساله را برای آثار بدیع پیش‌بینی کرده است (امامی، ۱۳۹۹: ۵۸). باتوجه به این‌که رویه اجرایی کنونی حسب تفسیر قوه قضائیه از «ق.ح» تعیین‌شده، می‌توان به قانونی بودن آن اطمینان داشت.

در فرض زنده بودن بیمار کرایونیک، هر سه حالت وضعیت ثبت بررسی شده است. در صورتی‌که طرح پیش از انجماد بیمار ثبت‌شده باشد، تمامی آنچه قانون‌گذار در این مورد تعیین کرده، صادق است (احسان پور و حبیبی، ۱۳۹۹: ۶۰). همان‌طور که بیان شد، باوجود ذکر اثر مرگ بر حقوق مالکیت معنوی در «م.ح» اسناد صادره توسط قوه قضائیه به این مهم اشاره نداشته و تنها مدت‌زمانی ده الی بیست‌ساله حمایت از آن را ذکر نموده‌اند. بنابراین در طول مدت مذکور، کسی حق تعرض به این حقوق را نداشته و وکلای بیمار کرایونیک حق پیگیری موضوع را دارند (بصیرزاده و ادیبی سده، ۱۳۹۷: ۱۵۰). در فرض زنده بودن، کلیه حقوق افراد زنده محقق بوده و در طی دوران مذکور در اسناد، کسی حق تعرض به آثار را ندارد.

اما نکته مشترک حالات دوم و سوم آن است که هنوز سند مالکیت معنوی را دریافت نکرده است. در این باره نظریات مختلفی وجود دارد. قانون‌گذار در این خصوص صراحت لازم را به خرج نداده و نیاز است که با تفسیر موسع مواد قانونی در این مورد اظهار نظر نمود.

ماده ۲۴ «ق.ح» بیان می‌دارد که «هر کس بدون اجازه ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شده» پیام این ماده حقوقی آن است که ترجمه به‌عنوان یک اثر در حال گرفتن حق مالکیت معنوی، می‌بایست حمایت شود. در تفسیری دیگر، خواه اراده مترجم به نشر اثر باشد یا خیر، کسی حق تعرض به آن را ندارد و مورد حمایت قانون خواهد بود. ترجمه خود نوعی حق مالکیت معنوی است. در سکوت قانون می‌توان این قاعده را به دیگر اقسام مالکیت معنوی تعمیم داد که حسب آن آثار بدیع که هنوز سند مالکیت دریافت نکرده‌اند، تحت حمایت قانون بوده و کسی بدون کسب اجازه از صاحب اثر حق استفاده از آن را ندارد (میرحسینی، ۱۴۰۰: ۷۸).

تبصره ماده ۶۵ ق.ح بیان می‌دارد که تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آن‌ها بدون رضایت ورثه یا

¹ Snap

قائم مقام آنان توقیف نمی‌شود. بنابراین حق مالکیت معنوی صاحب اثر ترجمه، تألیف و تصنیف که نوعی حق مالکیت معنوی است و هنوز هم به چاپ نرسیده از توقیف مصون است. حق مالکیت معنوی نسبت به موارد یادشده بر دیون خالق آن برتری داشته و قابل توقیف به نفع طلبکاران نیستند (فرزانه و حیاتی، ۱۴۰۰: ۱۰).

بنابر تفاسیر موسع از دو ماده قانونی بیان شده می‌توان بیان کرد که تمامی آثار بدیع حتی در صورت عدم اقدام حقوقی برای ثبت آن، از حمایت قانونی برخوردار بوده و کسی حق استفاده از آن‌ها بدون اذن مالک را ندارد (متین جعفری، ۱۴۰۰: ۸۵).

حالات دوم و سوم متصور از وضعیت ثبت (ثبت ناقص طرح و یا عدم ثبت) باتوجه به تفاسیر یادشده حقوق مالک فریز شده را نشان می‌دهد. بنابراین اگر بیمار کرایونیک پیش از عملیات انجماد طرحی بدیع داشته و یا آن را به صورت ناقص در سامانه مالکیت معنوی ثبت نموده باشد، بدون اذن وی کسی حق تعرض به آن را ندارد (کریمی، ۱۳۹۹: ۸۸).

اثر حقوقی حالات دوم و سوم به تفاوت در ادله اثبات دعاوی مدنی و مسائل کیفری بازمی‌گردد. ثبت ناقص طرح در سامانه مالکیت معنوی می‌تواند اماره‌ای بر مالکیت بیمار کرایونیک باشد، درحالی‌که عدم ثبت آن و استناد به دست‌نویس بودن مستندات نمی‌تواند اماره تلقی شده و تنها با علم قاضی بر اثبات وضعیت آن مؤثر است (افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۹: ۱۵۲). هرچند که در صورت عدم ثبت طرح، حقوق مالکیت معنوی بیمار کرایونیک مورد حمایت قانون قرار دارد، اما در این صورت اطمینان نظام قضائی از منشأ مالکیت دشوار است، درحالی‌که با طرح ناقص آن در سامانه مالکیت معنوی می‌توان به اماره منشأ طرح آن استناد نمود.

۴-۳-۲. فوت مالک

عقیده دیگر، بر فرض مرگ بیمار است. نکته قابل ذکر اینکه فقهای طرفدار این فرضیه، عمدتاً در زمره مخالفان فرایند سرمازیستی می‌باشند (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۸). در واقع مجموعه فقهای مخالف این رویه با طرفداران نظریه موت اشتراک اعضاء دارند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ ه.ق: ۹۵). این نظریه معتقد است به واسطه فرض بر مرگ بیمار، این عمل حرام است (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۹). چنانکه بیان شد، طرفداران مشروعیت این سازوکار بیش از مخالفان بوده و احتمال پذیرش قطعی آن در فرآیند تقنینی آینده موجود است. بنابراین با رد نظریه اقلیت بعید است که فرض موت مالک در ادبیات حقوقی آینده جای گیرد. اما به جهت بررسی حقوقی، آثار

آن بررسی شده است.

اثر مهم مرگ، تقسیم اموال مابین وارثان است. جمهور فقها عقیده دارند که اموال میت هر آنچه هست می‌بایست مابین وراث تقسیم شود (طبرسی، ۱۳۳۷ ه.ق: ۱۵۴). مبتنی بر بحث‌های فقهی در خصوص ارث، قانون‌گذار باب دوم «ق.م» را به ارث اختصاص داده که مواد ۸۶۱ به بعد را شامل می‌شود. به موجب ماده ۸۶۸ «ق.م» مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی مستقر نمی‌شود مگر پس از اداء حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق گرفته. بنابراین نمی‌توان تقسیم اموال میت بین وراث را تنها به اموال مادی محدود کرد. هر آنچه جزء اموال میت بوده و حتی جسد وی متعلق به وراث است (بجنوردی، ۱۴۱۹ ه.ق: ۷۵). مالکیت معنوی نیز می‌بایست به وراث برسد (الجبعی العاملی، ۱۳۷۲: ۸۵). قانون‌گذار در خصوص توارث مالکیت معنوی صراحت به خرج نداده، اما حسب تفسیر موسع قواعد تقسیم ارث در فقه و حقوق اسلامی، می‌توان به توارث آن تأکید کرد (عبده، ۱۱۰۰ ه.ق: ۳۲۱). حسب مصادیق مالکیت معنوی نیز می‌توان از نظر حقوقی این مهم را بررسی نمود. حق سرقتی مغازه به‌عنوان نوعی از مالکیت معنوی قابلیت به ارث رسیدن داشته و بارها مصادیق آن مشاهده شده است. مالکیت شرکت‌های تجاری به‌عنوان یک حق معنوی بارها به ارث رسیده و پس از ارائه صورت انحصار وراثت، اداره شرکت‌ها نسبت به تغییر نام سهامدار اقدام کرده است (اخگر، ۱۳۹۱: ۵۸).

بنابراین می‌توان بیان داشت که حمایت قانونی صورت گرفته از حق مالکیت معنوی، پس از مرگ مالک، تا مدت مشخص ادامه داشته و مالکیت آن به وراث خواهد رسید. هرچند که در «ق.ح» در خصوص مدت‌زمان حمایت ۳۰ ساله پس از مرگ مالک صحبت کرده، اما در آئین‌نامه اجرایی مرکز مالکیت معنوی، تنها قید مدت حمایت در سند ذکر شده و اگر مالک در طول این مدت فوت کند، وراث می‌توانند از مدت‌زمان باقی‌مانده حمایت استفاده کنند. بنابراین از زمان انجماد بیمار، وراث می‌توانند از مدت باقی‌مانده حمایت مندرج در سند استفاده برند.

در صورتی که طرح در مرحله ثبت بوده و یا کلاً ثبت نشده باشد، وراث می‌توانند نسبت به ادامه کار اقدام کرده و حسب شرایط اداره مال مشاع، از آن منفعت برند (شمس، ۱۴۰۰: ۷۵). ماده ۵۷۴ ق.م.بیان داشته که شرکت قهری اجتماع حقوق مالکین است که در نتیجه امتزاج یا ارث حاصل می‌شود. بنابراین وراث برای ادامه استفاده از حق مالکیت معنوی، به‌صورت قهری در یک شراکت حضور داشته که قواعد اداره مال مشاع را می‌بایست رعایت کنند.

۴-۳-۳. اداره مال معنوی توسط غیر

قطعاً بیمار قبل از سپرده شدن به انجماد دارای اهلیت استیفا نیز بوده است و در حال حاضر محجور تلقی نمی‌شود، زیرا محجورین بنا به تعریف و تعیین مصادیق حصری ماده ۱۲۰۷ ق.م. شامل صغیر، سفیه و مجنون است که از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند (زمان زاده، ۱۳۹۶: ۴۳). فرد منجمدشده در قلمرو هیچ‌کدام از این مصادیق حصری قرار ندارد و الحاق بیمار سرمازیست به مصادیق حصری قانونی نیازمند توجیهی بیش از وضعیت کنونی این بیماران در عدم امکان تکلم، حرکت، تنفس، هوشیاری، خوردن و آشامیدن و ... است. از سویی مراتب مذکور دلالتی بر مرگ ندارد، زیرا اعتقاد به مرگ ایشان موجب نقض غرض خواهد بود، چه آنکه دیگر امید به احیا و درمان معنا نخواهد یافت (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۰).

نگارنده معتقد است که بیماران سرمازیست افراد محجور نیستند و فقط نوع خاصی از حیات که حیاتی مستقر و پایدار است را تجربه می‌نمایند و در این ایام حتی می‌توانند صاحب حق شوند. بدین معنا اگر فردی یا افرادی از خویشاوندان نسبی ایشان فوت نمایند، فرد تحت کرایونیک در طبقه ارث مورث خود قرار گرفته و از او ارث خواهد برد. مجرای تصرف وی در اموال و حقوق مالی، یا از طریق انتخاب وکیل با حق توکیل به غیر بوده و یا در اختیار امین به کیفیتی که در قانون آمده عمل می‌شود.

نظریه مذکور را می‌توان تحت نظریه حیات بیمار کرایونیک قرارداد، چراکه براساس آن نظریه‌ای جدید ارائه داده و موت بیمار را نفی می‌نماید. بنابراین اداره مال وی می‌تواند توسط وکیل یا امین وی صورت گیرد (سنه‌وری، ۱۹۹۸ م: ۴۳). حسب ماده ۱۱۸۷ «ق.م.» هرگاه ولی قهری منحصر به واسطه غیبت یا حبس به هر علتی نتواند به امور مولی‌علیه رسیدگی کند و کسی را هم از طرف خود معین باشد حاکم یک نفر امین به پیشنهاد مدعی‌العموم برای تصدی و اداره اموال مولی‌علیه و سایر امور راجعه به او موقتاً معین خواهد کرده بنابراین در اداره مالکیت معنوی بیمار، وکیل یا امین وی مسئولیت دارد. به‌موجب آنچه در خصوص مسئولیت‌های امین آمده است، وی حق انجام امورات کلان مانند خرید و فروش و یا تغییرات اساسی در مال را نداشته و تنها به اداره معمول آن تا زمان صلاحیت یافتن بیمار اختیار دارد (قاسم زاده، ۱۳۹۸: ۵۴). بنابراین می‌توان بیان داشت که امین بیمار کرایونیک می‌تواند حسب حمایت قانونی که از مالکیت معنوی به‌عمل آمده است، عمل کرده و منافع حاصله را به نفع بیمار نگاه دارد. باتوجه به این‌که حق واگذاری مالکیت معنوی از اقدامات کلان

تصرف محسوب می‌شود، نمی‌توان برای امین حق واگذاری را در نظر گرفت. بلکه وی مختار است اداره مال را تا زمان بازگشت موکل به دنیا در دست گیرد (خدابخشی، ۱۳۹۹: ۴۳).

به نظر نگارنده، این نظریه می‌تواند از بایسته‌های تقنینی آتی در مورد بیمار کرایونیک محسوب گردد. چراکه این نظریه اولاً در چارچوب نظریه حق حیات است، ثانیاً نظریه وفات را نفی می‌کند که طرفداران آن نافیان فرآیند کرایونیک هستند. از طرف دیگر منطقاً و عقلاً نصب امین در چنین شرایطی ضرورت دارد. بنابراین در آینده تقنینی این مهم، محتمل قانون‌گذار حق تعیین وکیل و یا امین برای اداره اموال (مادی و یا معنوی) بیمار کرایونیک بدون حق خرید و فروش و یا حق محدود در این مورد را در قانون قرار خواهد داد. در صورت ثبت ناقص و یا عدم ثبت طرح نوآورانه نیز وکیل یا امین وی می‌تواند پیگیر ثبت آن گردد.

۴-۴. تصرف مالک معنوی سرما زیست

چنانچه بیان شد، در صورت پذیرش فرض موت بیمار، وراثت وی حسب قواعد شراکت قهری، مسئول نگهداری اموال وی بوده که مالکیت فکری نیز در شمول آن قرار دارد. به دلایل بیان‌شده، احتمال پذیرش این فرض توسط قانون‌گذار اندک است و تنها به جهت احتمال اندک، اثر آن بررسی شد. اما به احتمال قوی، فرض پرترفدار حیات بیمار پذیرفته‌شده که وکیل یا امین مسئول محافظت از اموال وی محسوب می‌گردند (احسان پور و حبیبی، ۱۳۹۹: ۶۰). به‌موجب ماده ۶۷۸ ق.م در صورت فوت یکی از طرفین، قرار وکالت بی‌اعتبار می‌گردد. بیمار با پذیرش فرض حیات، زنده تلقی شده و پیش از فریز شدن وکیل خود را انتخاب می‌نماید. اما مدت‌زمان فریز طولانی است و در طول این مدت احتمال مرگ وکیل وجود دارد (بصیرزاده و ادیبی، ۱۳۹۷: ۸۵). به نظر می‌رسد که از بایسته‌های تقنینی، تعیین وکیل پس از فوت وی است. چراکه قانون‌گذار مدنی قانون را با فرض حیات دائمی و عادی طرفین نگاشته و دغدغه کنونی بیماران کرایونیک را در نظر نگرفته است. در صورت فوت وکیل، شرایط با عدم انتخاب وکیل توسط بیمار برابری دارد. چنانچه در مورد امین بیان شد، در صورت فقدان ولی قهری و یا وکیل قانونی، دادگاه فردی را به‌عنوان امین تعیین می‌نماید. اگر وکیل توسط بیمار انتخاب نشود و یا پس از انجامداد، وکیل فوت نماید، اموال بیمار بلا تکلیف باقی خواهد ماند. در صورتی که ولی قهری نیز وجود نداشته باشند، حسب تفسیر موسع ماده ۱۱۸۷ ق.م می‌توان دادگاه را نسبت به انتخاب امین صالح دانست. بنابراین اموال معنوی وی توسط وکیل یا امین اداره می‌شود.

۴-۴-۱. امکان واگذاری مالکیت معنوی سرمایه

در خصوص اقسام دیگر اداره مال توسط غیر شامل قیم، ولی قهری و یا امین، حسب مفاد قانون مدنی و تفسیر آن می‌توان بیان داشت که این افراد در جهت منافع اصیل می‌بایست گام بردارند. برای مثال قیم طفل صغیر می‌بایست در کمال دلسوزی نسبت به نگهداری مال وی اقدام کرده تا در زمان مناسب آن را به صاحب اصلی تحویل دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۷۸). اگر اقدام وی عرفاً برخلاف این مصالح تلقی شود طفل در زمان رسیدن به سن بلوغ حق اعاده حقوق خود را از قیم خواهد داشت. برای مثال اگر قیم با بی‌مبالاتی برخی املاک طفل را به فروش رسانده و موجب از دست رفتن پول آن شده باشد، می‌بایست در آینده به طفل پاسخگو بوده و قانون نیز وی را به سبب اقدامات خارج از عرف مسئول می‌داند. بنابراین عرف عمومی و حقوقی آن است که ولی قهری یا قیم تنها به اداره مال پرداخته و مال را نفروشد (امامی، ۱۳۸۱: ۵۵). تفسیر مذکور برای امین نیز صادق است. بنابراین در صورتی که مال بیمار کرایونیک توسط امین اداره می‌شود، عرفاً نمی‌توان حق واگذاری مالکیت معنوی توسط وی را به رسمیت شناخت، بلکه وی تنها در اداره عادی این اموال اختیار دارد.

۴-۴-۲. اداره مالکیت معنوی سرمایه

همان‌طور که بیان شد، حق اداره اموال مادی و معنوی بیمار کرایونیک، بر عهده وکیل یا امین است. بنابراین این افراد می‌بایست در نهایت امانت‌داری به اداره عادی آن پردازند. امین یا وکیل تنها در میزان حقوق خود اختیار داشته و منافع خارج از آن را می‌بایست حسب قواعد امانت تا زمان تعیین تکلیف بیمار به نفع وی نگهداری کنند. برای مثال اگر شرکتی دانش‌بنیان براساس طرح نوآورانه بیمار کرایونیک تاسیس شود، امین به نمایندگی از بیمار در اداره آن اختیار دارد. تمامی منافع مادی حاصله از اداره اموال معنوی می‌بایست به نفع بیمار نگهداری شود. اما وکیل که صراحتاً حق واگذاری و خرید و فروش را پیش از انجماد از بیمار اخذ کرده، حقی فراتر از اداره اموال داشته و می‌تواند در حیطه اختیارات خود عمل نماید.

۴-۴-۳. عدم توجیه اقتصادی طرح نوآورانه سرمایه

یکی از مهم‌ترین وجوه افتراق مالکیت معنوی و مادی، در مالیت آن است. اموال مادی معمولاً به‌سادگی قابلیت فروش دارند و این در حالی است که طرح‌های بدیع عمدتاً یا توجیه اقتصادی ندارند، یا در صورت توجیه نیز دارای ریسک بالا بوده که در درآمدزایی و مالیت آن محل

تردید است. بنابراین حتی قابلیت رهن این اموال بسیار مشکل است، چراکه دغدغه طلبکاران سهولت در نقد شوندگی می باشد (آیتی، ۱۳۸۵: ۵۴۱). قوه قضائیه تنها در صورت احراز نوآورانه بودن طرح، سند مالکیت معنوی آن را صادر کرده و حمایت حقوقی مندرج در «ق.ح» به محض صدور سند آغاز می گردد. اما توجیه اقتصادی طرح بسته به شرایط اقتصادی دارد. تعداد طرح‌هایی که توجیه اقتصادی ندارند از طرح‌های دارای توجیه اقتصادی بیشتر است. برای مثال طرح چسب بخیه به عنوان یک طرح نوآورانه ثبت شده، اما با هزینه بسیار گزاف تولید این وسیله، بیماران به فکر انتخاب نخ بخیه می افتند. بنابراین این طرح فاقد توجیه اقتصادی است.

بنابراین می توان بیان داشت که در صورت عدم توجیه اقتصادی طرح، وکیل یا امین نمی تواند اداره آن را عهده دار شوند. در واقع کسب و کاری مبتنی بر این طرح شکل نخواهد گرفت که بحث اداره آن مطرح باشد. اما در خصوص فروش طرح برخی مسائل دارای اهمیت است. وکیل تحت هر شرایط برای فروش طرح به اختیارات نیاز دارد (خدابخشی، ۱۳۹۹: ۵۴). بنابراین حق فروش طرح توسط وکیل به اختیارات اعطاء شده به وی وابسته است. اما امین تحت قوانین امانت‌داری عمل می نماید. در مورد موضوع مورد بحث، صراحت قانونی وجود ندارد. اما چنین بیان شده که اگر اقدامات امین عرفا با منافع بیمار متضاد باشد، بیمار بعدها می تواند وی را به سبب عدم اداره مناسب اموال بازخواست نموده و از وی خسارت طلب نماید (زمان زاده، ۱۳۹۶: ۹۵). در صورتی که طرح دارای توجیه اقتصادی نباشد، فروش یا واگذاری آن عرفا صحیح بوده و در راستای منافع اقتصادی فرد اصلی تلقی می گردد. بنابراین می توان بیان داشت که تحت این شرایط واگذاری طرح توسط امین و نگهداری مبلغ حاصله به نفع بیمار عملی صحیح تلقی می شود.

۴-۵. توقیف مال معنوی سرمازیست

توقیف در لغت به معنای بازداشت کردن، درجایی واداشتن؛ از حرکت بازداشتن، ضبط کردن و واقف گردانیدن (فرهنگ لغت عمید) ایستاندن، دست در دست کسی کردن، (فرهنگ لغت دهخدا) بازداشت کردن، ضبط کردن، قضیه کردن، واقف گردانیدن (فرهنگ لغت معین) می باشد. در اصلاح حقوقی، توقیف به معنای بازداشت کردن یک وسیله می باشد. توقیف اموال به معنای بازداشت وسیله توسط قوای دولتی خوانده می شود. در اصطلاح حقوقی توقیف به محکوم علیه خوانده می شود. منظور از محکوم علیه کسی است که حکم به زیان وی صادر شده است. در واقع توقیف اموال از نظر حقوقی به بازداشت دارایی شخصی اطلاق شده که حکم به زیان وی صادر گردیده است (متین

جعفری، ۱۴۰۰: ۹۵). بحث در مورد قابل توقیف بودن اموال فکری، بسیار گسترده است. قانون‌گذار تنها در تبصره ماده ۶۵ «ق.ا.ح» به منع توقیف آثار تألیفی و ترجمه پیش از انتشار تصریح کرده است. میزان مالیت اموال فکری مبهم است و طلبکارها خواهان اموالی هستند که قابلیت نقدشوندگی بهتری داشته باشند. اما در خصوص توقیف اموال معنوی نمی‌توان ماده قانونی نافی آن یافت (کریمی، ۱۳۹۹: ۵۴). بحث در این خصوص اندکی خارج از پژوهش کنونی است، اما به لحاظ اثر مالکیت بیمار کرایونیک بر این مهم، مختصری در خصوص توقیف این اموال صحبت شده است.

۴-۵-۱. رویه حقوقی توقیف

همان‌طور که بیان شد، تنها ماده حقوقی صریح در خصوص توقیف اموال معنوی، تبصره ماده ۶۵ ق.ا.ح بوده که ناظر بر آثار تألیفی و ترجمه است. دیوان عالی کشور نیز در این مورد رأی وحدت رویه صادر نکرده است. اما در بررسی مثال‌های حقوقی، می‌توان رویه قضائی را حتی‌المقدور حفظ مالکیت معنوی دانست. در این خصوص به ذکر مثال زیر توجه شود:

در شهرستان کرمانشاه، به جهت مطالبه مهریه، شرکت دانش‌بنیان که مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره آن مخترع همان طرح تولیدی بودند، دادگاه چنین حکم داد که ۴۸ درصد سهام از جهت دیون مهریه مدیرعامل به همسرش واگذار شده و به جهت حمایت قانون از مخترعین، اداره این شرکت می‌بایست در اختیار دو نفر مذکور بوده که مجموع سهام آن‌ها تا مدت سی سال می‌بایست حداقل ۵۱ درصد باقی بماند و یک درصد باقی‌مانده به شریک بی‌طرف تعلق داشت و به‌جای خود باقی ماند. تنها سهم مدیرعامل از ۵۸ درصد به ۱۱ درصد تقلیل یافت که به کمک ۴۰ درصد سهم رئیس هیئت‌مدیره، در مقام ۵۱ درصد مخترعین طرح باقی بماند (فرزانه و حیاتی، ۱۴۰۰: ۱۸).

از بحث‌های بیان‌شده چنین مشخص شد که حق و حقوق کامل مالکیت فکری قابلیت مصادره ندارد. مثلاً علامت تجاری، قابلیت توقیف و ضمانت‌گذاری ندارد. تنها در صورتی که فعالیت اقتصادی مرتبط با مالکیت فکری به مرحله بازدهی رسیده باشد، حق مصادره دارد. حق سی‌ساله مخترع بر اثر فکری، قابلیت توقیف نداشته، اما قابلیت واگذاری را دارد. تنها راه‌حل مصادره اموال فکری، نخست منافع مالی آن بوده که مثال‌هایی از آن ذکر شد. مثلاً یک نشان تجاری، اگر به مرحله بازدهی مالی رسیده باشد، بخشی از عواید و درآمد آن قابل مصادره است. میزان دقیق تصرف در این درآمد را قانون مشخص کرده و هزینه‌های زندگی مالک اثر نیز می‌بایست تأمین شود. اصل اثر در صورتی که قابلیت فروش بخشی از آن وجود داشته باشد، همچون یک کارخانه و شرکتهایی که با

قوانین دانش بنیان تشکیل شده است، به گونه‌ای مصادره شده که مدیریت مالک اثر نسبت به آن باقی بماند. مثلاً ۴۹ درصد شرکت به نفع طلبکار مصادره شده و یا به مزایده گزارد می‌شود. به جز مثال‌های بیان‌شده، راه دیگری برای توقیف اموال فکری وجود ندارد.

پیام حقوقی این که خط قرمز قانون در ورود به حقوق مالکیت معنوی، اولاً حفظ نام آن‌ها، دوماً سی سال حق طرفین است. با وجود اینکه مهریه حق زن محسوب می‌شود، مجاز نبود که به حق مالکیت اصلی طرح وارد شود. قانون تنها اجازه محدود ورود به حق مالکیت معنوی را به گونه‌ای داد که حقوق افراد حفظ‌شده و ما باقی طلب مهریه، از منابع دیگر جبران شود.

مثال‌های دیگر در این مورد موجود بوده که جهت اطلاع کلام از آن گذر شده است. تنها به ذکر این نکته اکتفاء شده که توقیف منافع مادی اموال معنوی به سهولت انجام‌شده، اما در صورت عدم کفایت منافع مادی، اموال معنوی نیز به سبب دیون قابل مصادره است.

۴-۵-۲. اثر سرمایه‌ی مالک بر عرف حقوقی

رویه بیان‌شده در قسمت قبل، کاملاً حسب عرف شکل گرفته و در راستای حمایت قانونی از حقوق مالکیت معنوی و حق اداره آن است. در واقع قضات سعی کرده که حق اداره مالکیت معنوی که برای طرح آن زحمت کشیده شده در دست مالک اصلی باقی مانده و تنها منافع مادی آن جهت تسویه دیون به کار رود (ستوده روش و وزیری، ۱۳۹۹: ۳۸۰). اما این رویه حسب عرف شکل گرفته و در منابع حقوقی به صراحت در این مورد صحبت نشده است. بنابراین در صورتی که مالک معنوی شرایط سرمایه‌ی داشته باشد، ممکن است حسب نظر قاضی، شرایط عوض شود (خدابخشی، ۱۳۹۹: ۶۷). رویه مذکور حصری نبوده و در واقع نظام قضائی هدف و منظور قانون‌گذار از وضع این قانون را درک کرده است. هدف آن است که حق اداره مالکیت معنوی حتی المقدور در دست مالکان باقی بماند و مصادره آن به عنوان آخرین راه‌حل انتخاب شود. با پذیرش فرض حیات بیمار کرایونیک، اطمینان از طولانی بودن این دوره بالاست. منطقی می‌توان اثبات نمود که طول مدت انجماد از مدت‌زمان حمایت دولتی بیشتر است. بنابراین مالک توانایی اداره مال خود در دوران حمایت قانونی ندارد. طبیعتاً امین یا وکیل با توجه به عدم تسلط فنی به موضوع، توانایی رساندن طرح به حداکثر بازدهی را ندارند. بنابراین دست قاضی برای ارزش‌گذاری طرح معنوی و توقیف آن باز است. هر چند که هنوز رویه حقوقی خاصی در این مورد بیان نشده است، اما بر مبنای پیروی از هدف قانون‌گذار، احتمالاً توقیف اموال معنوی که مالک آن در شرایط انجماد به سر می‌برد به سهولت بیشتر

ممکن بوده و تلاش‌های اولیه برای حفظ حق اداره آن صورت نمی‌پذیرد. بنابراین با نظر کارشناس فنی طرح ارزش‌گذاری شده و به سبب دیون فروخته می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در خصوص بیمار کرایونیک، فرض محجور بودن، به معنای فرد زنده‌ای که توانایی اداره اموال خویش را ندارد، بیشترین قرابت را دارد. بنابراین اگر وی پیش از ورود به انجماد، وکیلی برای خود برگزیند، عملی از نظر حقوقی صحیح ارزیابی شده و وی می‌تواند امورات محوله بیمار را انجام دهد. در صورت عدم تعیین وکیل، قواعد امین برای آن صادق است. در عقد وکالت، اختیارات وکیل مشخص است، لیکن در خصوص امین، قاعدی عمومی حاکم بوده و وی تحت نظارت مراجعه قضائی می‌بایست حسب منفعت موکل خود اقداماتی انجام دهد. بنابراین قواعد امانت در این خصوص صادق است و در مورد فروش اموال، تنها زمانی این اختیار را داشته که مصلحت ایجاد نماید. در خصوص توقیف مالکیت معنوی که خلأهای حقوقی متعددی وجود دارد، به‌طورکلی سیاست قضائی آن است که حق مالکیت معنوی برای مالک حفظ شده و حتی‌المقدور منافع مالی آن جهت تسویه دیون به کار رود. اما در وضعیتی که بیمار خود توانایی اداره اموال را نداشته و اداره آن به شخصی غیرمتخصص واگذار شده است، به نظر می‌رسد که حمایت قانون از این نوع اموال توجیهی ندارد. نظریات حقوقی نیز سیاست حفاظت از مالکیت مذکور را تنها باهدف تشویق و حمایت از مالک طرح می‌دانند، لیکن صحیح‌ترین گزینه حقوقی آن است که در صورت ورود مالک به انجماد، با این اموال به‌مانند دیگر اموال مادی برخورد شده و در صورت لزوم نسبت به توقیف کامل آن اقدام گردد.

فهرست علائم و اختصارات

ق.ا.	قانون اساسی ایران، مصوب ۱۳۵۸، بازنگری شده در سال ۱۳۶۹
ق.ا.ح	قانون اجرای احکام، مصوب ۱۳۵۶
ق.ح	قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸
ق.م	قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۱۱

منابع

قرآن کریم.

احسان پور، سیدرضا؛ حبیبی، جواد(۱۳۹۹). ملاحظات کیفی در خصوص اجرای کرایونیکه حقوق پزشکی، ۱۴(۵۲)، ۵۱-۶۸.

اخگر، بابک؛ عباسی، سیمین(۱۳۹۱). مدیریت حقوق مالکیت فکری، تهران: انتشارت جنگل جاودانه، چاپ اول، جلد اول.

افتخار جهرمی، گودرز؛ السان، مصطفی(۱۳۹۹). آئین دادرسی مدنی، تهران: میزان، چاپ اول، جلد اول.
افضلی، محمد علی(۱۳۹۳). مرگ مغزی از منظر فقه شیعه و طب جدید، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۲۴(۱۳)، ۲۲۲-۲۳۳.

امامی، اسدالله(۱۳۹۹). حقوق مالکیت معنوی، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم، جلد اول.

امامی، سید حسن(۱۳۸۱). حقوق مدنی، قم: اسلامیه، چاپ شانزدهم، جلد سوم.

امامی، سید حسن(۱۳۹۹). حقوق مدنی مالکیت، قم: اسلامیه، چاپ اول، جلد اول.

آیتی، حمید(۱۳۸۵). حقوق مالکیت معنوی، تهران: ناشر حقوقدان، تهران، چاپ اول، جلد اول.

بجنوردی، محمد حسین(۱۴۱۹ هـ.ق). قواعد فقهیه، قم: نشر الهادی، چاپ اول، جلد اول.

بصیرزاده، شهناز؛ ادیبی سده، سارا(۱۳۹۷). احوال شخصیه فرد منجمد شده از منظر فقهی حقوقی، تهران: آریادانش، چاپ اول، جلد اول.

بصیرزاده، شهناز؛ ادیبی، سارا(۱۳۹۶). بررسی جواز کرایونیک براساس آیات و احادیث، حقوق و علوم قضایی، ۲۲(۱)، ۲۵-۳۶.

الجبعی العاملی، زین الدین (شهید ثانی)(۱۳۷۲). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، قم: مرکز نشر مکتب الاسلامی، چاپ هفتم، جلد دوم.

جزائری، سید محمد جعفر(۱۴۱۶ هـ.ق). هدی الطالی فی شرح المکاسب، قم: موسسه دار الکتاب، چاپ اول، جلد سوم.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ نوزدهم، جلد اول.

حبیبی، جواد؛ احسان پور، سید رضا؛ گلدوست جویباری، رجب؛ عباسی، علی(۱۳۹۸). احوال شخصیه بیماران سرمازیست، حقوق پزشکی، ۵۰(۱۳)، ۵۰-۱۹۳.

حسینی مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ هـ.ق). العناوین، قم: جامعه المدرسین، چاپ اول، جلد دوم.
 خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۹). مبانی فقهی آئین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضائی، تهران: سهامی انتشار، چاپ اول، جلد اول.

خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۲ هـ.ق). مصباح الفقاهه، تقریر، توحید، قم: نشر داوری، چاپ اول، جلد اول.
 زمان زاده، سلمان (۱۳۹۶). دعوی خصوصی ناشی از جرم در قانون آئین دادرسی کیفری و رویه قضایی سال ۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.

ستوده روش، ندا؛ وزیری، مجید (۱۳۹۹). کرایونیک: رضایت برای ادامه حیات یا خودکشی، مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ۱۴(۱)، ۳۷۵-۳۸۹.

سنهوری، عبدالرزاق (۱۴۱۷ هـ.ق). مصادر الحق فقه و الاسلامی، قم: آل بیت، چاپ اول، جلد اول.
 السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸ م). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، چاپ سوم، جلد اول.

شمس، عبدالله (۱۴۰۰). قواعد اجرای آیین دادرسی مدنی، تهران: دراک، چاپ اول، جلد دوم.
 طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ هـ.ق). تفسیر المیزان، قم: اسلامیه، چاپ سوم، جلد اول.
 طباطبائی، سیده فاطمه؛ محمدحسین زاده، عبدالرضا؛ مولوی فر، سمیه (۱۳۹۶). حکم تکلیفی کرایونیک بیمار لاعلاج از منظر فقه شیعه، فقه پزشکی، ۹(۳۱)، ۲۱-۳۲.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۳۷ هـ.ق). مجمع البیان، قم: انتشارات بیان جوان، چاپ اول، جلد اول.
 طوآف، مجتبی (۱۳۹۳). مشروعیت انجماد بیمار لاعلاج از نظر مذاهب فقهی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مذاهب اسلامی.

عبده، سید عبدالمطلب (۱۱۰۰ هـ.ق). التامین علی الحیات، قاهره: دارالکتب اسلامیه، چاپ دوم، جلد اول.
 فرزانه، سعید؛ حیاتی، علی عباس (۱۴۰۰). ماهیت فقهی و حقوقی وجود شرط علم و عمد در جبران خسارت دادرسی، فقهی فلسفی قم، ۱۲(۴۵)، ۱-۲۰.

فرهنگ لغت دهخدا.

فرهنگ لغت عمید.

فرهنگ لغت معین.

قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۹۸). مبانی مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان، چاپ سوم، جلد اول.
 قانون اجرای احکام، مصوب ۱۳۵۶.

قانون اساسی ایران، مصوب ۱۳۵۸، بازنگری شده در سال ۱۳۶۹

قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸.

قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۱۱

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). حقوق مدنی، اموال و مالکیت، تهران: نشر یلدا، چاپ سوم، جلد اول.
- کریمی، عباس (۱۳۹۹). ادله اثبات دعوی، تهران: میزان، چاپ اول، جلد اول.
- متین دفتری، احمد (۱۴۰۰). آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران: مجد، چاپ اول، جلد اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب، چاپ دوم، جلد اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۹). استفتائات، قم: آل بیت، چاپ ششم، جلد دوم.
- میرحسینی، سید حسن (۱۳۸۴). مقدمه ای بر حقوق مالکیت معنوی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، جلد اول.
- میرحسینی، سید حسن (۱۳۹۹). حقوق مالکیت معنوی امروزه، تهران: میزان، چاپ اول، جلد اول.